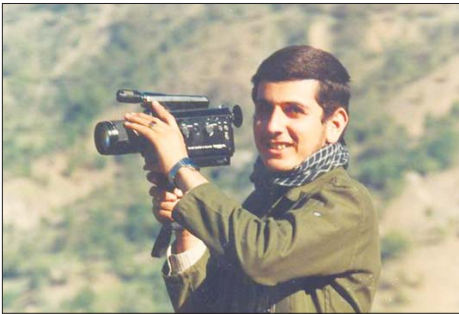


محمد حداد عنوان کرد:

۱۲ هزار دقیقه فیلم محصول تلاش گروه چهل شاهد در دوران مقدس



معرفی شود که قصد ساختن مجموعه ای برای معرفی گروه داشتند که شهادت ایشان مانع از انجام این کار شد. آثار گروه و افراد بعد از جنگ مورد بی‌مهری قرار گرفت و شرایطی که لازمه حفظ و نگهداری این آثار می باشد، رعایت نشد. دلسردی از این بابت که حاصل تعدادی شهید و جانباز و آزاده این مجموعه بکر، عکس و فیلم بود که تاریخ جنگ را به تصویر می کشد و به جهت حرمانه بودن آثار مانع از پیش آن شدند و شرایط نگهداری علمی لازم نیز فراهم نشد و اکنون ما از بودن یا نبودن این مجموعه و نوع و نحوه نگهداری آن بی خبریم. وی با تبیین شرایط بسیار دشوار تهیه این مجموعه با ذکر خاطره ای اظهار داشت: در عملیات کربلای ۱۰ در ارتفاعات گلان کردستان ایران و عراق که منجر به آزادسازی شهر نظامی ماهوت عراق شد، روی تپه ای واقع بودیم که گروهی ۱۵ نفره به سمت شهر حرکت می کردند که به شهر بروند از موقعیت شهر از حیث بودن در دست نیروهای ایرانی یا عراقی تحقیق نمایند که همراه این گروه به شهر وارد شدیم. به ما اعلام شد معلوم نیست که ارتش عراق از این شهر بودند و درگیری شویذ ولی ما اعلام آمادگی کردیم و با ورود به شهر شاهد خروج آخرین تپه ارتش عراق از این شهر بودیم و درگیری تن به تن ادامه داشت و ما از این صحنه ها فیلم و عکس گرفتیم که مورد استقبال نماینده صدا و سیما قرار گرفت و اظهار داشت که این تصاویر بسیار بکر می باشد. همچنین در عملیات بدر یک عملیات آبی خاکی بود پس از قریب یک ساعت حضور در قایق های

هر چه به انتهای جنگ نزدیک می شدیم کار گروه تخصصی تر می شد. به عنوان مثال قبل از عملیات کربلای ۲ یک دوره آموزش تخصصی برای ۳۰ نفر از اعضای گروه داده شد و برای اولین بار از دوربین ۱۶ میلیمتری در جبهه ها استفاده کردیم. که ماحصل ثبت این تصاویر به گونه ای بود که مورد تحسین اساتید این رشته قرار گرفت و اظهار می داشتند که شما غیر ممکن را ممکن ساخته اید. چرا که همکاران ما با وجود حضور در صحنه های جنگ و بودن زیر آتش گلوله با عشق و علاقه و بی توجه به مخاطرات جنگ تمام تلاش خود را می کردند که بهترین وضعیت را برای ثبت تصاویر بکار برند و کارهای دقیق داشته باشند. وی در رابطه با کوشش گروه برای بروز خلاقیت بیشتر در کار خود خاطرنشان کرد: گروه به این نتیجه رسیدند که در کار خلاقیت بیشتری داشته باشند و دنبال سوزهای جدید بودند که بتوانند این توانمندی خود را به اثبات رسانند تا توجه به اینکه پنج سال هر آنچه می بایست از صحنه های جنگ تصویر برداری کرده بودند و برای کار جدید ثبت عملیات برون مرزی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در دستور کار خود قرار دادند. که پوشش تصویری از فرارگاه رمضان که در ۲۸۰ کیلومتر درون خاک عراق بود را شروع کردند. این فرارگاه که جنگ های نامنظم را به گروه های کرد معارض رژیم بعثی توسط نیروهای سپاه آموزش می داد را پوشش دهند. در این فرارگاه آموزش های شیمیایی، میکروبی و هسته ای (ش م) و دیگر آموزش های نظامی لازم را برده های عراق به رهبری رئیس جمهوری فعلی عراق آموزش می دادند که گروه چهل شاهد با حضور در این فرارگاه از مراحل کار آنها تصویربرداری می کردند. همچنین بنده در مقایسه نیز حضور در گروه های زرمی به عنوان نیروی زرمی و خط شکن را در چند عملیات تجربه کردم. آقای حداد با بیان مطلوبیت گروه چهل شاهد و تشکیل جلسات با شهید آوینی برای معرفی کارهای آنها و نگهداری کارهایشان اظهار داشت: در جلسه ای که شهید آوینی داشتیم آن شهید بزرگوار اظهار می داشتند که گروه شما مانند بچه های روایت فتح مظلوم واقع شده اید که باید روی فعالیت و مجاهدت های گروه کار و

از ۱۲ هزار دقیقه فیلم و آرشو بسیار کامل عکس که توسط این گروه در ستاد تبلیغات جنگ تهیه شده ، می باشد. و بنده نیز تا سالهای آخر جنگ مسوول واحد فیلم و عکس ستاد بودم چون بیشتر دغدغه گروه نگهداری فیلم هایی بود که در زمان جنگ توسط دوستان و همزمان مان تهیه شده بود. ما سعی کردیم امانت دار آثار آنها باشیم در نهایت این عکس ها به قدری قابل توجه قرار گرفت که مجموعه های کتاب های عکس دوران دفاع مقدس به صورت مجموعه هفت جلدی به چاپ رسید. این عضو گروه چهل شاهد با اشاره به تهیه فیلمی توسط این گروه برای نمایش در سازمان ملل در رابطه با موضوع بیماریان شیمیایی حلیجه برای احقاق حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و محکوم ساختن رژیم بعثی به عنوان ناقص حقوق بشر و متجاوز برای جامعه جهانی تصریح کرد : در آن مقطع دکتر سید کمال خرازی نماینده ایران در سازمان ملل بود که درخواست تهیه فیلمی با موضوع بیماریان شیمیایی حلیجه را با گروه چهل شاهد در میان گذاشت و اظهار داشت با توجه به اینکه فیلم های ساخت شما مستند و واقعی است این کار را انجام دهید. که اعضای گروه سه شبانه روز روی این فیلم کار کرده و با استفاده از تصاویر مستند ضبط شده این فیلم را برای نمایش در سازمان ملل تهیه کردند که به عنوان یک سند بسیار تاثیرگذار در شورای امنیت قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ارائه شد. کار سترگ همکاران ما را



ملی احوال سپری که در اختیار سپاه احوال بوده سپری شد همچنین از تجربه نقرات اولیه که به جبهه ها اعزام شده بودند تجربه عملی کار در جبهه ها را فراگرفته بودند نیز استفاده شد. این شروع کار بنده به عنوان تصویربردار و عکاس در جبهه های حق علیه باطل بود و مداومت آن به ۲۰ ماه و حضور در عملیات هایی چون عملیات تکمیلی خبرک ، بدر ، قادر ، کربلای ۴ ، کربلای ۵ ، کربلای ۱۰ ، والفجر ۸ و والفجر ۹ می باشد. آقای حداد با اشاره به تهیه بیش از ۱۲ هزار دقیقه فیلم و آرشو غنی عکس توسط گروه چهل شاهد اظهار داشت از ابتدای تشکیل گروه چهل شاهد تا پایان جنگ ، محصول کار این عزیزان به صورت بیش

محمد حداد، متولد سال ۱۳۲۷ که با شروع جنگ تحمیلی ۱۶ ساله بود. با توجه به اینکه برای حضور در جبهه ها شرط سنی داشتن ۱۸ سال بود امکان حضور در جبهه ها برای ایشان میسر نبود و برای پاسخگویی به این شوق حضور، بی تابی می کرد که این آرزو با تصویب بخشنامه ای در شورای عالی دفاع و تشکیل ستاد تبلیغات جنگ در این شورا، مبنی بر ثبت تاریخ جنگ شکل واقعبیت به خود بخشید. در این بخشنامه مقرر شده بود که با استفاده از نیروهای بسیجی ساکن خوزستان و در اولویت شهر اهواز، به لحاظ محدودیت اسکان و آموزش آنها ، این امر با تشکیل گروه چهل شاهد تحقق عینی یافت. حداد درباره تشکیل این گروه می گوید : گروه چهل شاهد زیر مجموعه ستاد تبلیغات جنگ بود و دلیل نامگذاری آن به خاطر

هسته اولیه آن بود که بیست گروه دوفره متشکل از فیلمبردار و کمک فیلمبردار و طبقه ثبت و ضبط تصویری تاریخ جنگ را به عهده گرفتند. محوریت تشکیل این گروه به مسجد جوادالائمه و حاج الوان اهواز بود این چهل نفر آموزش های اولیه فیلمبرداری را به صورت ابتدایی و مقدماتی طی نمودند و به جبهه ها اعزام شدند و از تمامی مراحل حضور رزمندگان از ابتدای اعزام ، حضور در یادگان های نظامی ، مراحل مختلف دوران آموزش ، حضور در جبهه ها و عملیات ها و هنگام رجعت آنها به پشت جبهه ها به صورت عکس و تصویر ثبت و ضبط می شد. این گروه با ۴۰ نفر کار خود را آغاز کردند که تا پایان جنگ تعداد

احمد غلام مشکاک:

تیپ یک لشکر ۲۱ حمزه باعث آزادسازی جزیره مجنون شد

قیضه خود به ایستگاه قطار اهواز رفتیم. ۲۴ ساعت طول کشید تا قطار روباز که کلیه ادوات و قیضه ها و خودروها در قطار جاسازی شود که این سفر ما شش روز به طول انجامید از شهرهای اراک ، تهران و تبریز گذر کردیم. ایستگاه آخر ما شهر مراغه بود. همه نیروهای تیپ پس از پیاده شدن از قطار به یک یادگان اعزام شدند. ما قرار بود که جایگزین تیپ ۵۵ هوارد شیراز شویم. وقتی به محل مورد نظر رسیدیم آنها در حال تخلیه از منطقه بودند. از آن زمان رسیدیم که آیا دشمن به سوی آن منطقه آتش می ریزد که اظهار داشتند در اینجا اصلا خبری از گلوله و آتش بازی نیست. تیپ ما خیلی سریع سنگرها را تمیز و لوازم خود را در سنگر قرار دادیم و قیضه های خود را به سوی دشمن نشانه گرفتیم. هوا رو سوی تاریکی داشت. در حالی که مشغول باز کردن کیسه افرادی بودیم در نزدیکی ما از سنگرها گلوله خمپاره ای اصابت کرد و یکی از ترکش های آن به کتف چپم اصابت کرد و باعث مجروحیتیم شد.



میدان راه آهن اهواز سوار سرویس شدیم که خلوت بود وقتی علت را جویا شدم گفتند که تیپ در حال آماده سازی برای جابجایی می باشد. من به همراه یک سرباز دیگر مسئول قیضه راکت انداز ۱۰۷ میلیمتری بودم. دو قیضه از این سلاح داشتیم و تعدادمان چهار نفر می شد. ما با

کردند. فرمانده دسته از من درخواست کرد که قیضه را توضیح دهم. من هم به علت آن که بیانم خوب نبود عذرخواهی کردم و فرمانده خودش قیضه را توضیح داد. آن شب تیپ توانست بخوابد و در سنگر ما که تعدادمان شش نفر بود به هم صحبت داشتیم و هر کسی نامه می نوشت. بعضی از بچه ها نیز وصیت نامه خود را می نوشتند و من وصیتنامه نوشتم. فردای آن روز ما تعداد ۱۲ نفر دسته راکت انداز به سمت جزیره مجنون حرکت کردیم. تیپ یک لشکر ۲۱ حمزه باعث آزادسازی جزیره مجنون شده بود. پس از بل شناور به طول سه کیلومتر رابط بین این جزیره و شرق دجله بود. هنوز هوا روشن نشده بود که ما به محلی که قرار بود عملیات انجام شود رسیدیم. چون آن منطقه زیر آتش شدید دشمن قرار داشت و ما هم به منطقه آشنایی نداشتیم تعدادی از نیروها سریع به یک کالان به طول سه کیلومتر فرستاده شدند. شدت آتش دشمن به حدی زیاد بود که کسی جرأت نمی کرد از کالان خارج شود حتی آذوقه نیز به مدت دو روز با استفاده از ناپلون در اختیار ما قرار می گرفت. در این هنگام فرمانده دسته ما

تهیه، تنظیم و ویرایش: روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران